

گفتگو با برادر گل محمدی، سرپرست شورای نظارت بر فیلم

تصویر، بیان هدف و منظور

نگرشی به سینمای ایران... حاصل گفت و شنودی با برادر گل محمدی است که در برگزیده نقاط ضعف و قوت حاکم در سینمای فارسی پس از انقلاب اسلامی ایران است. باشد که مسائل مطروحه در این نگرش. زمینه سازی، جهت برطرف کردن نقاط ضعف و تقویت جنبه های مثبت و کارساز در سینمای کشور اسلامی بشود.

■ بطور کلی، نقطه نظر و دیدگاه شخصی شما، با توجه به مسئولیتی که در وزارت ارشاد اسلامی در مورد سینما و تهیه فیلم برعهده دارید در زمینه سینما چیست؟ و آیا در مقام مقایسه سینمای قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران می توان به رشد و یا تحولی شایسته و فراخور انقلاب اسلامی ایران برخورد کرد.

قبل از اینکه وضع موجود را تشریح کنم، لازمست به اهمیت و کار برد تبلیغاتی سینما اشاره ای داشته باشم. قبل از انقلاب از سخنرانی، مقالات و نوشته ها و اشعار برای تبلیغ استفاده میکردیم ولی از داشتن بهترین وسیله تبلیغ، که به عقیده من سینماست، محروم بودیم. برای افراد معتقد و حزب اللهی امکان فعالیت در این رشته نبود، اگر جایی میخواستند کار کنند، سرکوبشان می کردند و اگر کاری هم داشتند با دوربین های هشت و یا خیلی بندرت با دوربین های ۱۶ میلیمتری بود. گاهی نمایشنامه هایی را اجرا می کردیم از این اجراها به وسیله همین دوربین ها فیلمبرداری



می کردیم و در جلساتی پخش می شدند. با آنکه هیچکدام از ما، از جمله خود من، قبل از انقلاب به سینما نمی رفتیم ولی ذوق هنری داشتیم.

خوشبختانه مسوولین و شخصیت های جمهوری اسلامی به اهمیت سینما در تبلیغات اسلامی واقف اند و بارها در سخنرانی ها این اهمیت را گوشزد کرده اند و در ملاقاتهایی که با هنرمندان داشته اند با ارج و احترام از آنها استقبال کرده اند، اما متأسفانه هنوز آنطور که باید امکانات در اختیار ما نگذاشته اند.

اصولاً فیلم و سینما از جهات مختلف و با مدد استفاده از هنرهای مختلف، قابلیت استفاده از جهت گسترش فرهنگ اسلامی را دارد. فیلم و سینما را میتوانیم در جهت صدور انقلاب، به خدمت بگیریم، سینما، بهترین وسیله ضبط وقایع جنگ و ثبت ایثار و استقامت مردم ما است. این بهترین وسیله تبلیغ و نشر اسلام است. با استفاده از دوبله دیالوگ ها به زبانهای مختلف، می شود آنها در کشورهای دیگر نمایش داد. حال که این وسیله مؤثر تبلیغاتی در اختیار جمهوری اسلامی است و مسوولین هم اهمیت آنها می دانند باید از مرحله گفتار پا را فراتر نهیم و به مرحله عمل برسیم.

قبل از انقلاب به جز معدود فیلم هایی که دارای ویژگی های خاص بودند، اکثر فیلم ها راه ابتذال را در پیش داشتند و به تعبیر آن زمان فیلم های آبگوشتی، آیکی و بدون تحلیل و حتی بدون رعایت اصول و اساس منطقی درام، تهیه می شدند. هدفی جز انحطاط جامعه نداشتند و در این مسیر نقش مؤثری ایفا می کردند بهمین دلیل هم مردم سینماها را به آتش کشیدند زیرا میدانستند که استعمار و امپریالیزم از این مراکز برای رسیدن به اهداف خود بهره می گیرد. افراد مسلمان و معتقد هم همانطور که گفتیم؛ در این رشته فعالیتی نداشتند و در نتیجه تخصصی نداشتند. بودند افراد معدودی که در خارج در این رشته فعالیت کرده بودند، اما برای آنها هم امکان کار در ایران نبود. بطور کلی در این رابطه کار اساسی نشده بود.

بعد از انقلاب ما می خواستیم از این وسیله بنحو

احسن استفاده بشود اما درست راه افتادن سینما مستلزم مسایلی است؛ از جمله تربیت افراد مسلمان در این رشته، که باید بگویم در این باره کوتاهی شده است، و اینکه عرض می کنم در مرحله عمل مسوولین توجهی به سینما ندارند؛ واگذار نکردن امکانات را هم شامل می شود. برای مثال اگر فرد مسلمانی فیلمی ساخت و به فرض پانصد هزار تومان خرج آن کرد و آن فیلم خوب نبود، به او خرده می گیرند که چرا کاری را که نمی دانستی و بلد نبودی انجام دادی و پول بیت المال را حرام کردی. پیداست که این فرد برای بار دوم جرأت اینکار را نمی کند، در نتیجه تجربه ای نمی اندوزد. در تحقیقت از کسی که کاری در این مقیاس نکرده است انتظار داریم که اولین کارش نه فقط بی عیب، بلکه عالی باشد. انتظار داریم که در همه امور سینما، از کارهای فنی و تکنیکی گرفته تا سناریو و فیلمبرداری و غیره، بالاترین سطح را حایز باشد. این غلط است. در دنیا هم همه فیلم ها از همه نظر، بالاترین سطح را ندارند و اگر هم فیلمسازی فیلم برجسته ای عرضه کرده، بدلیل تجارب زیادی است که داشته است. متأسفانه باید گفت که با افراد مسلمان و علاقمند به این رشته نه از نظر بودجه و نه از نظر دلگرم کردن و تشویق آنها، برخورد مناسبی نداشته ایم. من موردی را که با این افراد برای تهیه فیلم، همراه بودم ذکر می کنم، برای اینکه به محل برای فیلمبرداری برویم خود رو نداشتیم و گاهی حتی دوربین فیلمبرداری هم در اختیار ما نمی گذاشتند، با چه زحماتی برای تهیه وسایل مورد لزوم ارز گرفتیم، با چه مشقتی کسی را فرستادیم برای تهیه آنها و با چه دردسری تهیه شد وقتی که وسایل تهیه شد و به ایران رسید باز هم مشکلات دیگری وجود داشت که هنوز هم گریبانگیر است.

می خواهند در ارتباط با جنگ فیلم بسازند، میگویند این فیلم این بخش ضعیف است باید قوی تر باشد، چنین باشد، چنان باشد. البته منم موافقم که تا حد امکان نباید بیت المال به هدر رود، اما لااقل می توانیم توقعمان را در حد امکاناتمان تنزل دهیم. به عبارت دیگر

متناسب با امکانات، در ارتباط با کسانی که قبلاً در این رشته کار کرده‌اند، به اصطلاح حرفه‌ای، آنها هم بلا تکلیف اند و بعضی از مسائلشان حل نشده است. این افراد معمولاً کسانی نبودند که مردم این جامعه را کاملاً درک کرده باشند و با توجه به نیاز آنها فیلم بسازند، اینها کسانی بود که در عالم خودشان سیر می‌کردند و پایه کارشان رقابت با هم بود و از روی الگوهای خارجی فیلم می‌ساختند. کسانی هم بودند که با دربار روابطی داشتند و پول و پله‌ای در اختیار، از طریق هزار فیلم وارد می‌کردند و جای دیگر هم پروانه‌اش را می‌گرفتند. خوب کسی هم که می‌خواست کاری ارائه کند می‌دید فیلم‌های خارجی سکس و برهنگی‌شان بیشتر است، رقصش بیشتر است، او هم نظیر چنین فیلمی را تهیه می‌کرد. با چنین رقابت‌هایی فعالیت می‌کردند. بعد از انقلاب، با آن سرعت و سیری که داشت، این‌هفته با هفته قبل بسیاری مسایل سیاسی - اجتماعی - اقتصادی تغییر می‌کرد و همه آنها برای تهیه فیلم مناسب بود. البته نباید توقع داشت افرادی که چنان دیدی از سینما داشته‌اند به این موضوع‌ها اهمیتی بدهند. این افراد را باید جمع کرد و به آنها خط و جهت داد، باید به آن کسانی که ضمن شناخت تکنیکی، فرهنگ مردم را بیشتر می‌شناسند، ارزش نهاد، آنها را پذیرفت، به آنها فرصت کار داد، اگر خطایی کردند چشم‌پوشی کرد تا بتوانند کار انجام دهند. متأسفانه در این رابطه هم برخورد صحیحی نداشته‌ایم. البته فیلم‌هایی ساخته شده که توقیف‌اند که باید هم توقیف می‌شدند چون ضوابط جمهوری اسلامی را رعایت نکرده بودند.

باز هم بر اهمیت داشتن یک سینمای سالم تأکید می‌کنم و اینکه این سینما می‌تواند در خدمت فرهنگ اسلامی قرار بگیرد و بسیاری از تبلیغاتی که هم اکنون در دنیا علیه انقلاب ما می‌شود، خنثی کند. در واحد سینمایی وزارت ارشاد مسوولیت‌های بررسی سناریو و شورای نظارت بر نمایش بر عهده من است که هر دوی این مسوولیت‌ها حالت قضایی دارد و نه اجرایی، در حقیقت این شوراها خط جمهوری اسلامی را در سینما،

عنوان می‌کنند، در این شورا سناریو رد و یا قبول می‌شود، مسایل سینما ما مشخص می‌شود اما اجرای آنها بعهده کسانی است که سمت‌های اجرایی دارند. در مورد بررسی سناریوها مشکلا تی داشته‌ایم که هنوز مختصری از آنها باقی مانده‌اند، از جمله رسیدگی به سناریوها است که مدت زیادی در توبت می‌ماندند، گاهی یکسال بعد جواب یک سناریو را می‌دادند، توبت‌های ده ماهه و شش ماهه هم بوده است. کسی هم مقصر نبوده است چون سناریو زیاد بود و فرصت خواندن آنها کم. اما ما تلاش کرده‌ایم سریع‌تر پاسخ داده شود و تکلیف سناریوها زودتر مشخص شود.

■ برای تهیه یک فیلم سینمایی سالم و با ارزش که دارای جنبه‌های ارشادی و اخلاقی در رابطه با نیازهای فکری و فرهنگی باشد بی‌تردید نخستین و مهم‌ترین گام، تدوین و تالیف یک سناریو خوب و با ارزشی است، در این رابطه شما چگونه برخوردی با مساله سناریو دارید و آیا بخش سینمایی وزارت ارشاد اسلامی در زمینه پذیرش و تأیید سناریو دارای ضوابط و یژه‌ای است؟

برای سناریو ضوابط خاصی نداریم، اما آنچه را که بعنوان ضابطه شاید بتوان نامبرد؛ عبارتست از اینکه با فرهنگ مردم ما بیگانه نباشد، برای جامعه آموخته باشد، انتقادی از یک جریان انحرافی در دنیا باشد؛ که می‌تواند یک جنبه را شامل شود، فرضاً از انحراف سیاسی یا اقتصادی یا اخلاقی یا فرهنگی و اجتماعی انتقاد کند و آنچه در دنیا بعنوان جریانهای ضد انسانی مطرح است. نکته دیگری که در سناریو حتماً باید رعایت شود اصول درام است. بافت دراماتیک سناریو باید درست باشد. موضوع سناریو ممکن است خوب باشد اما اگر فرم درستی نداشته باشد وقتی که بصورت فیلم عرضه شد با آنکه ایده اصلی خوبست، آن فیلم مبتذل خواهد بود. یا اگر سناریویی موضوع زشتی برهنگی را عنوان می‌کند نباید به وسیله زن بی حجاب آنرا نشان بدهد و مواردی از این قبیل. این موارد را می‌توان تدوین

کرد و به عنوان ضابطه برای کسانی که قصد نوشتن سناریو را دارند، ارائه کرد که بدانند که مواردی را باید رعایت کنند و بیشتر در بخش نمایش می‌تواند مطرح باشد. خوشبختانه اخیراً در هیأت دولت آئین‌نامه‌ای به تصویب رسیده است که در آن کلیات آنچه در یک فیلم باید رعایت شود، ذکر شده است. آنچه از این آئین‌نامه مستفاد می‌شود اینست که کلاً باید برای جامعه سودمند باشد، توهین به ادیان رسمی شورنباشد برای جریانهای انحرافی در دنیا، مثل آمریکا- شوروی و قدرتهای استکباری- مکاتب انحرافی و امثال آن تبلیغ نکند، برخلاف شرع نباشد، توهین به مقدسات و سنت‌های مردم نکند و اصولاً آنچه باید در انتخاب فیلم‌های خارجی و داخلی رعایت شود آموزشی بودن آنهاست. یعنی یک فیلم صرفاً برای سرگرمی انتخاب نمی‌شود هر قدر هم از نظر فیلمبرداری و تصویر قوی باشد. اینگونه فیلم‌ها از نظر ما تجارتنی‌اند و معمولاً اجازه نمایش نمی‌گیرند. آنچه تهیه کنندگان باید در نظر داشته باشند اینست که سینما یک وسیله فرهنگی است و باید در جهت رشد فرهنگی مردم بکار رود.

■ تردیدی نیست آنچه بر بافت و الگوی یک فیلم، بویژه در رابطه با فیلم‌های بخش خصوصی غالباً اثر ناخایست می‌گذارد، در نظر گرفتن جنبه‌های بظاهر سرگرم کننده اما در اصل جلب تماشاچگی است به عبارت دیگر سینمای تجارتنی بجای در نظر گرفتن مبانی اصلی هنر هفتم می‌کوشد تا از سینما وسیله‌ای بسازد در جهت منافع شخصی، به همین دلیل سینمای تجارتنی بی‌اعتنا به هدف‌های اصلی سینما که همانا رشد و تعالی جامعه است، جوانب تجارتنی را شدیداً مورد نظر قرار می‌دهد، حتی گاه با مدد از هنر پیشه‌های نام‌آشنا می‌کوشد تا صرفاً بر رونق کسب خویش بیافزاید، با این سینما چگونه برخوردی داشته یا خواهید داشت؟
طبیعی است که بعد از انقلاب هم سینما تجاری

بوده است و برای اینکار از هنر پیشه‌های مشهور، یا از سوژه‌های روز حتی توجه به زمان نمایش برای سود بیشتر، استفاده شده است. خیلی روشن است، تهیه کنندگان فیلم بیشتر بدنبال سود هستند، در دنیا هم همین طور است و خیلی کم هستند تهیه کنندگانی که بیشتر به مسائل فرهنگی توجه دارند. معمولاً فیلم‌های صرفاً فرهنگی را دولت یا بخش‌های نیمه دولتی تهیه می‌کنند هدف از تهیه آنها هم عرضه دیده و تفکر خودشان و القا و بیان آنست. ولی اگر منظور از تجاری بودن سود بردن از راه صنعت سینماست، از نظر ما هم اشکالی ندارد. مسلماً کسی که فرضاً پنج میلیون تومان برای فیلمی سرمایه‌گذاری می‌کند توقع سودی از این سرمایه را دارد و گرنه، یک حساب سرانگشتی اگر این سرمایه‌دار در کاری دیگر بگذارد مسلماً برایش سود آو تر خواهد بود. ما هم می‌گوییم آقا تو سودت را ببر اما با رعایت ضوابطی که ما می‌گوئیم. ما نمی‌گوئیم حتماً این سوژه را داستان کن و بر پرده سینما نشان بده، در انتخاب موضوع هم آزادی اما نه تا آن حد که مخالف ارزش‌های فرهنگی ما فیلم‌سازی، یا اصلاً فیلمی سازی که ارزش فرهنگی نداشته باشد و آموزشی نباشد. حال انتخاب تکنیک برای جلب بیشتر مشتری با توسل- بهر حال اینهم نوعی تجارت است و تجارت مجازی هم هست و از نظر ما هیچ اشکالی ندارد ولی آنجائی که بخواهند از هر طریقی صرفاً سود بدست آورند با اشکال مواجه خواهد شد.

در مورد هنر پیشه‌ها هم باید بگویم تعدادی از هنر پیشگان هستند که برای ارائه کارشان مجاز نیستند. وقتی مشخصات فیلمی را به وزارت ارشاد ارائه کردند و اسامی هنر پیشگان را دادند از بازی هنر پیشگان غیر مجاز جلوگیری می‌شود. بعضی از این هنر پیشگان بعد از انقلاب فرصت طلبی‌هایی داشته‌اند اما حالا، هم برای جامعه ماهیت آنان روشن‌تر شده است و هم مسوولین حواسشان جمع است و به فیلم‌های بی‌محتوا یا آنهایی که فقط شعار می‌دهند، اجازه نمایش داده نمی‌شود. نمونه‌هایی از این فیلم‌ها را داشته‌ایم، مثلاً



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ON SPECIALE
DE COSTA-GAVRAS
JORGE SEMPRUN

فیلم «پنجمین سوار سرنوشت» که متأسفانه تهیه کننده و کارگردان آن، یکی از کسانی است که در نهادی انقلابی فعالیت می کند. در این فیلم دقیقاً فرصت طلبی رعایت شده است، فرصت اشاره به یک یک موارد نیست به یکی دو مورد آن بسنده می کنم. اول اینکه در این فیلم سعی شده بود رعایت حجاب بشود، اما در جاهایی که اصلاً احتیاجی نبود، با مرتب نشان دادن نمازگزاران کسی که با مشکلی روبرو شده بود. در واقع از این موارد که کم هم نیستند برای نشان مذهبی بودن استفاده شده بود. یا در فیلم قیام که مدتی هم پروانه نمایش داشت که بعد لغو شد بهرحال موارد فرصت طلبی هنوز هم وجود دارد اما از آن جلوگیری می شود.

مسئله بازیگران را باید جداگانه بررسی کرد و از اهمیت کمتری برخوردار است. اصولاً بازیگر، همانند سازبست در دست نوازنده، همه جور و همه جا می تواند به نوا بیاورندش، هستند بازیگرانی که در فیلمی بازی قوی ارائه کرده اند و در فیلم دیگر بازی ضعیفی داشته اند و چه بسا که در فیلم های مبتذل هم بازی داشته اند. این بستگی به کارگردان دارد که از بازیگر چه بازی بگیرد و از عوامل فنی و غیر فنی در این راه استفاده کند و در واقع اوست که باید توجیه و اصلاح شود و دست از فرصت طلبی بردارد.

■ گاه در مورد یک فیلم اظهار نظرهای گوناگونی می شود، گروهی فیلم را بکلی مردود و در مقابل کسانی آنرا قابل نمایش می دانند، این مهم گاه تا بد آنجا مطرح می شود که برخی از مسئولین مملکتی نیز در این باب نظراتی ابراز می کنند که بی تردید در سرنوشت نمایش و یا ارائه فیلم بی تاثیر نیست، شما در مقابل این واکنش ها و نظرات چگونه برخورد می کنید

در مورد اظهار نظرهای مختلفی که مسوولین ابراز می کنند، باید گفت اظهار نظر گرفتن های مختلف از مسوولین غیرمتخصص هم کار همان گروه از عناصر فرصت طلب است که وقتی فیلم شان در این واحد

پذیرفته نشد میروند نظر شخصیتی را که مورد احترام است، جلب می کنند، فرضاً میروند و نظر شخصیت هنردوستی را در همین وزارتخانه می پرسند، و پس از گرفتن نظر مساعد ایشان، علیه ما اقدام می کنند و میگویند وقتی ایشان تأیید کرده اند شما چکاره اید. امیدوارم در این مورد برداشت اشتباهی نشود و مسوولین دیگر با حسن نظر با آن مواجه شوند، اما اصولاً از اظهار نظر در مواردی که آشنایی و تخصص در آن ندارند، باید خودداری کنند یا لااقل اظهار نظر قطعی نکنند و اجازه ندهند که افراد چاپلوس و متملق با پنهان کردن شخصیت واقعی شان از آنها سوءاستفاده کنند من خاصمانه به دوستانی که مورد احترام ما هستند عرض می کنم که اجازه فرصت طلبی به این جور افراد ندهند.

اتفاقاً در این رابطه افرادی را که می خواستند از این طریق فیلمی را به نمایش بگذارند، رسوا کردیم. رفته بودند و تأیید یکی از شخصیت های مورد احترام را گرفته بودند و در رد نظر ما، تأییدایشان را ارائه می دادند. ما سوابق آنها را برای این شخصیت ها فرستادیم، موارد اشکال فیلم را هم توضیح دادیم و ایشان هم نظر ما را پذیرفتند و فیلم هم متوقف شد. البته منکر این نمی شوم که با استفاده از همین روش مسوولین این واحد را تحت فشار قرار داده اند و برای مدت محدودی فیلم هایی را اکران کرده اند.

اما این نکته را هم می دانیم که اصولاً اختلاف نظر درباره فیلم وجود دارد. سینما، بوسیله تصویر هدف و منظور خود را بیان می کنند، و با دیدن این تصاویر بینندگان مختلف، برداشت های متفاوتی خواهند داشت که این برداشت ها بستگی به نوع تفکر و ارزیابی آنها از مسایل مختلف دارد. تصویر مثل یک نوشته نیست که معنای آن با کلمات مشخص بیان شود و تازه نوشته ها هم برداشت های متفاوتی بوجود می آورند. تا حدی این اختلاف نظرها طبیعی است و اصلاً ارزش فیلم هم به همین است. بعضی ها از مسایل مذهبی که در فیلمی مطرح می شود، بخاطر نداشتن زمینه مذهبی، درس می گیرند و عده ای هم چون به این مسایل آشنایی دارند

زیاد برایشان مهم نیست و موارد دیگر فیلم جلبشان می‌کند. تا این حد اختلاف نظر طبیعی است تا زمانی اختلاف نظر اشکال ایجاد می‌کند که باید اثبات یا نفی شود و مسوولین توجه داشته باشند که عناصر فرصت طلب آنها را سپر بلای خود قرار ندهند و در پشت سر آنها سنگر نگیرند که احیاناً موجب کدورت یا مشکلات بین خود مسوولین نشود.

■ سینمای جامعه انقلابی ایران، امروز در بسیاری موارد نیازمند رجعت به گذشته و یادآوری عوامل و فساد و تباهی رایج آن زمان است، در این باب سینماگران مواجه با اشکالات عمده‌ای می‌شوند، برآستی چگونه باید با این مهم برخورد کرد و آیا به شیوه‌ای فراخور این بیان دست یافته‌اید؟

در مورد تصویر کردن فجایع مظلومی که در گذشته بوده، منم معتقدم که کاردرستی است و این نه تنها عقیده من است که شاید خیلی از مسوولین موافق آن باشند. امام در یکی از بیاناتشان فرمودند: «آن جنایات گذشته باید برای مردم یادآوری شود، وقتی که یک پاسبان به بازار می‌آمد کسی نمی‌توانست نفس بکشد حالا شما یادتان رفته است». و این واقعیتی است که وقتی انسانها در نعمتی باشند وضع قبلی خودشان را فراموش می‌کنند. کسی که صاحب‌خانه‌ای نیست، داشتن خانه برایش مهم است ولی وقتی مالک خانه‌ای شد مشکل خانه را فراموش می‌کند و بفکر مالکیت اتومبیل می‌افتد. از این موارد زیاد است بعد از انقلاب اتفاقاً ما هم چنین حالتی پیدا کرده‌ایم. می‌گوئیم آقا ما چه فرقی کرده‌ایم؟ اتفاقاً ورق پاره‌ای از روزنامه‌های گذشته را می‌بینیم و تبلیغات سینمایی آنروز را و بعد با خودمان می‌گوئیم که خداوند به این مملکت رحم کرده است. برای یادآوری این خاطرات— حتی اگر این نسل هم بخاطر دارد، برای آیندگان و اینکه بدانند پدرانشان چه مبارزه‌ای کرده‌اند و در چه راهی کشته شده‌اند و چه مشکلاتی را تحمل کرده‌اند تا به اینجا رسیدیم، باید

جای خاص در سینما وجود داشته باشد. اما تصویر این فجایع و انتخاب موضوع و مسایلی که باید مطرح شود با ضوابط نمایشی امروز ما باید تطبیق کند. ما نمی‌توانیم برای آنکه عیش و عشرت آن زمان را تصویر کنیم کافه‌های آن دوره را با خوانندگان و مشروب‌هایی که صرف می‌شد و زود خورد بعدش، به نمایش بگذاریم. خود کسانی که دست‌اندرکار هستند می‌دانند چگونه آنها را هم بیان کنند؛ بعضی جاها را می‌شود فقط دیالوگ گذاشت یا با تصویرهای دور و محو نشان دادن سایه و از این قبیل که فیلمسازان بهتر می‌دانند. اما بطور کلی تهیه اینگونه فیلم‌ها بسیار خوبست و باید سینمای ما جای خاصی برای آن در نظر بگیرد.

■ برمی‌گردیم به سینمای بعد از انقلاب، آیا فیلم‌های تهیه شده بعد از انقلاب اسلامی نوید حرکتی تازه را در متحول کردن سینما می‌دهد؟ در جایی که اغلب سینماگران بدلالی رجعت به زمانهای دور کرده‌اند، آیا این مهم را می‌شود گریزی آگاهانه تلقی کرد؟ گریز در عدم علاقه به طرح مسایل عمده‌تر؟

فیلم‌هایی که بعد از انقلاب تهیه شده‌اند بهیچوجه مطلوب نیستند و به دلیل مشکلاتی که همه آنها را نمی‌توانم بیان کنم، از جمله سیاست‌زدگی در هنر، که هنوز هم ادامه دارد، سینمای ما راه خود را نیافته است. واقعیت اینست که فیلم‌هایی هم که حتی بالاترین سطح مطلوب را دارا هستند، اشکالات زیادی دارند. و ما تا رسیدن به یک سینمای متعهد و مسوول اسلامی که بتواند بیانگر تفکر و فرهنگ ما در دنیا باشد، راه درازی پیش رو داریم. اما در این راه قدم برداشته‌ایم و امیدواریم بعد مطلوبی از نظر تولید برسیم.

بعضی از کارگردان‌ها در تهیه فیلم‌های تاریخی تجری دارند و میتوانند با مهارت در این زمینه فیلم تهیه کنند و اگر این فیلم‌ها را در خط درستی قرار بدهند، مثلاً فساد نظام شاهنشاهی را، سلسله‌وار بیان کنند، چه

اشکالی دارد امیدواریم در این رابطه فیلم های جالبی ساخته شود.

یک دلیل دیگر اقبال موضوع های تاریخی اینست که کارگردانان فکر می کنند اگر بخواهند سوژه های روز بسازند یا از سوژه های قبل از انقلاب استفاده کنند، باید زن را بدون حجاب نمایش دهند.

و در اینصورت پروانه نمایش نخواهند گرفت بهمین دلیل از این سوژه استفاده می کنند که چنین مسایلی را ندارند، که البته کاردرستی نیست، می توان هم آن سوژه ها را انتخاب کرد وهم ضوابط را رعایت نمود.

■ از جمله مشکلاتی که گه گاه شاهد آن هستیم، برخورد مسئولین در استانها در رابطه با نمایش یک فیلم است، وزارت ارشاد اسلامی به فیلمی اجازه اکران می دهد، اما این فیلم در مواردی برای نمایش در استانی مواجه با اشکال می شود، در این مورد چه نظری دارید؟

مورد اجازه نمایش فیلم باید بگویم که این موردی است که وزارتخانه با آن برخورد قاطع و جدی دارد.

از ادارات کل ارشاد در استانها نظرخواهی می شود و این نظرخواهی ها به شورای نظارت میرسد و اگر مسأله خاصی باشد، حل میشود. ولی اگر اداره کل استان باز هم نیازه حک و اصلاح دید وظیفه دارد آنرا انجام دهد و اینکار غیر منطقی نیست. البته مسوولیت اینکار با اداره کل ارشاد است و نه یک نهاد دیگر که اصلاً با فیلم و سینما سرو کار ندارد، مثلاً سپاه پاسداران و جهاد سازندگی یا دادگاه مبارزه با منکرات نباید به این کار مبادرت کنند. مسأله باید در سطح کشور هماهنگ باشد و بطور یکنواخت انجام بگیرد. اداره کل ارشاد داستانی اعلام می کند که برای مردم این داستان بازیگری زنان در فیلم تا این حد هم قابل قبول نیست، همین اداره وظیفه دارد فیلم را اصلاح کند ولی در این مورد با همه استانهای دیگر هماهنگ نخواهد شد، چون این مسأله یک استان است و نه مناطق دیگر.

اگر بخواهیم بسوی انسجام کامل برویم، نهادهای



دیگر هم نظر اصلاحی شان را باید به‌این وزارتخانه اطلاع دهند و در این جا تصمیم‌گیری شود. همانطور که اگر کارمندان اداره کل ارشاد شهرستانی اسلحه بدست بگیرند و بگویند ما نیروهای نظامی این منطقه را قبول نداریم و موقعیت اینجا طوری است که باید اسلحه داشته باشیم، برای سپاه پاسداران قابل قبول نیست. مسوولیت فیلم و سینما هم با این وزارتخانه است و قاعدتاً هم اطلاعاتش در این مورد خیلی بیشتر است.

■ سینمای ایران هنوز چندان نتوانسته است از ضعف‌های تکنیکی برکنار باشد، تاجایی که کمتر می‌توان به فیلمی با تکنیک خوب و فراخور توجه اشاره کرد، چه در گذشته و چه حال، بطور کلی دلیل و یا دلایل این ضعف به اعتقاد شما از کجا مایه می‌گیرد؟

سینمای حرفه‌ای و اینکه از نظر تکنیکی پیشرفته نیست، اتفاقاً اینطور نیست و ما فیلم‌هایی داریم که از نظر تکنیکی با فیلم‌های خوب دنیا رقابت می‌کنند و فیلم‌سازی داریم که تکنیک بسیار پیشرفته‌ای دارند؛ فیلم سفر سنگ، نمونه خوبی بر این ادعاست، که هم از نظر تکنیک و هم از جهت محتوا در سطح بالایی است. افرادی هم هستند که اگر امکانات و وسایل در اختیارشان قرار بگیرد توانایی تهیه فیلم در سطح بسیار پیشرفته‌ای را دارند.

متأسفانه همانطور که ابتدا هم عرض کردم، مسوولین بر اهمیت کار سینما واقف‌اند و تاکید هم می‌کنند اما در عمل اقدامی نمی‌شود. ما با آموزش افراد مستعد که دارای بینش و فرهنگ اسلامی هستند، که فعلاً بعنوان سینماگران آماتور از آنها یاد می‌کنیم، میتوانیم خط استراتژیکی مهمی مقابل تبلیغات کشورهای دیگر تشکیل دهیم. مسلماً آموزش این افراد بطور گسترده و سرمایه‌گذاری‌های ما چه از نظر زمان و چه از نظر مالی، بازده خوبی خواهد داشت و انشاء... بعنوان صادر کننده فیلم شناخته خواهیم شد.

البته جنبه تجاری این موضوع اهمیت چندانی ندارد و آنچه مورد نظر ماست صدور فرهنگ اسلامی بدینسان

که توسط همین افراد با استعداد و معتقد که توان تکنیکی هم دارند تحقق خواهد یافت. این آماتورها بعد از مدتی کار و تجربه اندوژی، حرفه‌ای خواهند شد و چیزی از دیگران کم نخواهد داشت. امیدواریم با رفع مشکلات بتوانیم این هدف را به انجام برسانیم.

■ برای تهیه یک فیلم دو بخش عمده همه‌گناه نقش موثر دارند، بخش دولتی و بخش خصوصی، در این زمینه بخش دولتی در رابطه با فعالیت‌های بخش خصوصی بسیار کم کار است، در صورتیکه بخش دولتی با توجه به ضوابط و مقررات و یژه‌اش می‌تواند کاربرد موثرتری داشته باشد، پرسش این است چرا بخش دولتی در ساختن فیلم‌های مورد نیاز جامعه چندان فعالیتی چشمگیر ندارد؟ و گذشته از این بخش خصوصی نیز آنچنان که می‌بایست فعالیت گسترده‌ای نداشته است؟

همانطور که در دنیا هم تجربه شد است، دولت تهیه‌کننده خوبی نیست، هم از نظر اقتصادی ضرر می‌کند هم کیفیت کارش مطلوب نیست، اصولاً آن انگیزه‌ای که بخش خصوصی برای تهیه فیلم دارد و سبب می‌شود کیفیت کار خوب باشد، برای دولت مطرح نیست. مگر آنکه فیلم عظیمی بخواهد ساخته شود که به سرمایه و امکانات وسیعی احتیاج داشته باشد که دولت باید اقدام کند. بهمین دلیل است که بخش خصوصی باید فعال‌تر باشد که هم با قیمت ارزانه‌تری فیلم را تهیه می‌کند و هم با کیفیت بهتر.

بعد از انقلاب، بخش دولتی و نیمه دولتی مثل بنیاد مستضعفان، اقدام به تهیه فیلم کردند ولی متأسفانه به دلایلی که ذکر کردم، فیلم خوبی عرضه نکردند. برای یک کارمند دولت که فرضاً تهیه دکور را بعد از زیاد فرق نمی‌کند که رنگ دکور مناسب است یا نه، در حالیکه این مساله ممکن است در سرنوشت فیلم موثر باشد. خیلی کم پیدا می‌شوند کسانی که به دقایق فیلمسازی در بخش دولتی و نیمه دولتی، توجه کنند.

اما اینکه چرا سرمایه‌گذاری نشده، در تلو یزیون را که اطلاعی ندارم، ولی می‌دانید که سرمایه‌گذاری هائی هم که شده بود بعضی هارامتوقف کردند، فیلم‌هایی را کامل پخش کردند و بعضی فیلم‌ها هم تا نیمه پخش شد. بهر صورت سرمایه‌گذاری شده و طبیعی هم است که بشود چون اینکار را تجربه می‌کنند و گذشته از این رشد فرهنگی ما خیلی سریع شده است.

اما در این مورد هم مشکلاتی هست مثلاً تهیه‌کننده‌ای اجازه‌ی تهیه فیلمی را می‌گیرد و براساس جو موجود موضوعی را انتخاب می‌کند، پس از دو سال که تهیه فیلم به انجام می‌رسد، می‌بینیم آن مساله و آن سوز و آن اشکال بکلی از بین رفته است و فیلم ارزش اکران ندارد. خود من مصاحبه‌ای داشتم در زمان عزل بنی صدر و می‌خواستم عکس روی جلد مجله‌ای چاپ کنم، اما بقدری همه چیز سریع اتفاق افتاد و حال و هوا طور دیگر شد که دیگر مطرح کردن آن قضیه کاری موردی بود و اصلاً آن مجله در نیامد. این اشکالات سبب شده است که تهیه‌کنندگان از ما تأمین بخواهند، یعنی به آنها اطمینان بدهیم که فیلمی را که می‌سازند اکران می‌شود و توقیف نخواهد شد. این مشکلات وجود دارد و آدم بخصوصی هم مسوول آن نیست البته تا حدی می‌شود از آن جلوگیری کرد و اگر کمی کلی‌تر به مسایل نگاه کنیم، این اشکالات هم رفع خواهد شد.

اما دولت به دلیل محدودیت‌هایی که داشته، نتوانسته است سرمایه‌گسترده‌ای را به اینکار اختصاص دهد، ولی برای تشویق فیلمسازان در تهیه فیلم‌های کوتاه و یا حتی فیلم‌های سینمایی، کمک‌هایی کرده است. در بخش نیمه دولتی، بنیاد مستضعفان فیلم‌هایی تهیه و سرمایه‌گذاری کرده است که متأسفانه اغلب اجازه‌ی اکران نگرفته و توقیف شده‌اند البته بعضی فیلم‌های این بنیاد هم عرضه شده‌اند و اجازه‌ی اکران گرفته‌اند.

بطور کلی خط اصلی اینست که تهیه‌کننده خصوصی باید از صحنه خارج نشود و بهر حال اوست که می‌تواند فیلم‌های خوبی عرضه کند در کنار بخش

خصوصی، تلو یزیون هم باید تولید داشته باشد و همینطور بخش هنری بنیاد مستضعفان که امکانات و سرمایه‌ی وسیعی در اختیار دارد.

از نظر نظارت بر تهیه و تولید فیلم، این واحد فقط سناریو را تصویب می‌کند و مسوولیت بقیه کارهای تولید با شورای نظارت و بررسی سناریو نیست.

اما اگر فیلمی برای عرضه آماده شد و سناریوی آن با ضوابط ما مطابقت نکرد در قبال آن تعهدی نداریم و اجازه‌ی اکران به آن نخواهیم داد. گاهی هم سناریوئی را تصویب می‌کنیم اما تهیه‌کننده ظرافت‌هایی از نظر فرم به اجرا می‌گذارد که اهداف خاصی را تعقیب می‌کند که باز هم از اکران این فیلم جلوگیری خواهد شد. ولی اگر تهیه‌کننده بعد از تصویب سناریو، بی‌غرض و بی‌نظر کار کرده باشد اجازه‌ی اکران می‌گیرد.

■ بخش سینمایی وزارت ارشاد

اسلامی چه نقشی در زمینه تهیه فیلم در ارگان‌های مملکتی دارد، بویژه در سیمای جمهوری اسلامی ایران که مرکزی فعال در تهیه و تدوین فیلم و تاتر است؟

در مورد نظارت بر فیلم‌ها و سریال‌های تلو یزیون باید در نظر داشته باشند که قانوناً اشکالاتی دارد. زیرا که وزارت ارشاد زیر نظر دولت است و سیمای جمهوری اسلامی با نظارت سه قوه فعالیت می‌کند. یعنی در تلو یزیون باید نظر سه قوه مطرح باشد در حالیکه در وزارت ارشاد فقط نظر دولت مطرح است. و این وزارتخانه خط مشی دولت را دنبال می‌کند. از نظر اجتماعی هم سینما با تلو یزیون تفاوت دارد. تلو یزیون موظف است افکار همه مردم را در سطوح مختلف به خود جلب کند ولی در سینما اینطور نیست.

مثلاً یک فیلم خوب هنری را می‌توانیم در سینما نمایش دهیم و افراد خاصی هم به تماشای آن می‌روند. اما اگر همین فیلم را در تلو یزیون پخش کنیم مسلماً بسیاری از مردم به آن اعتراض می‌کنند، چون از آن چیزی نمی‌فهمند و متأسفانه هنرمندان هم طوری هنرشان

را عرضه نمی کنند که همه فهم باشد. و بعقیده آنها هر چه کمتر بفهمند هنرمندانه تر است. در نتیجه، مردم عادی از این فیلم استقبال نمی کنند.

■ در طول نبرد دلاوران رزمندگان مسلمان ایران بر علیه رژیم دست نشانده عراق، هر لحظه از این نبرد، گواه بسیاری از ایثارها و از خودگذشتگی ها و فتوحات چشمگیر بوده است، آیا در زمینه تهیه و تدوین آرشیوی کامل از فیلم های جنگ تحمیلی تابحال گامی برداشته شده است؟ تا آنجا که می دانیم تلاشی وسیع و گسترده در این زمینه فراخور اعتبار و اهمیت جنگ انجام نیافته، دلیل آنرا چگونه می یابید؟

در مورد مساله جنگ و اینکه چندان در سینما به آن توجه نشده، منم با شما هم عقیده هستم اما دلیل اصلی آنرا در عرایضی که ابتدا داشتم جستجو کنید. در اینکه مسوولین به اهمیت سینما تاکید می کنند اما عملاً به این وسیله مهم نمی پردازند. میگویند بفرمائید انجام بدهید ولی نوازی را که مورد نیاز است در اختیار نمی گذارند. اتفاقاً خاطره بدی از تهیه فیلم مستند جنگی دارم. اوایل جنگ دو گروه فیلمبرداری به جبهه رفته ولی متأسفانه هیچیک از این افراد نتوانستند آنجا بمانند و فیلم تهیه کنند، ترسیدند و بازگشتند. افراد حرفه ای هم نمی خواهند به جبهه بروند که میداد خمپاره ای یا ترکش توپی به آنها اصابت کند، دیدن جنازه به مزاجشان سازگار نیست. افراد آماتور هم که فیلم تهیه کرده اند در آن حدی نیست که بتوانیم از آنها استفاده کنیم با آنکه مقدار زیادی هم فیلم گرفته اند— در حالیکه دشمن ما خیلی خوب از این وسیله برای تبلیغات استفاده کرده است. و این برای ما موجب تأسف است که مساله را جدی نگرفته ایم، اینهم از مشکلاتی است که انشاء الله— امیدواریم در آینده حل شود. با آنکه می شود در آینده وقایع جنگ را بازسازی کنیم اگر فرصت فیلمبرداری از صحنه های واقعی جنگ را از دست داده ایم اما میتوانستیم از صحنه های جنگ

مجموعاً صد ساعت فیلم مستند داشته باشیم، یعنی برای چهار فیلم سینمایی، از وقایعی می توانستیم فیلمبرداری کنیم که در دنیا بی نظیر بوده است و با نمایش آن در دنیا، محلی برای تبلیغات سوء نگذاریم. متأسفانه اینکار انجام نشده، امیدوارم این مطالب توجه تهیه کنندگان و کارگردانان را جلب کند و به این مساله اهمیت بیشتری بدهند.

■ به عنوان آخرین سؤال، در طول سینمای بعد از انقلاب مکرر با مسوولین امور در زمینه سینما به بحث و گفتگو پرداخته شده است، همه ابتدا با شور و شوق راه حل ها و شیوه های تازه ای برای تحول سینمای بعد از انقلاب عنوان کردند، اما با تاسف هیچکدام چندان به مرحله عمل در نیامد، آیا این مهم دلیل عمده ای دارد؟

همانطور که می دانید مسوولیت من اجرایی نیست و در واقع قضایی است و بهمین دلیل خوشبختانه تا بحال وعده ای نداده ام. اما می توانم قاطعانه بگویم که بسیاری از دست اندرکاران سینما، مخصوصاً حرفه ای ها، به قضاوت ما در کار سناریو و سینما امید بسته اند. مخصوصاً بعد از برگزاری جشنواره فجر. اما آنچه مهم است اجراست که در این مورد باز می گردیم به آنچه در ابتدا بر آن تاکید کردم، یعنی توجه مسوولین، عملاً به این موضوع باید بیشتر شود. البته با مشکلاتی که کشور ما در حال حاضر با آن روبروست مساله مبارزه با آمریکا، جنگ تحمیلی، حصر اقتصادی و اوضاع اقتصادی کشور، که اگر به آنها رسیدگی نشود عواقب وخیمی خواهد داشت و باید حق بدهیم که این مساله فرعی تر باشد. اما اینهم واقعیتهایی است که اگر به سینما توجه شود چه بسا که در حل این معضلات هم کمکی باشد. شاید بدلیل همین مسایل باشد که طرحهای داده شده ضمانت اجرایی نیافته یا بدلیل سیاست زدگی، که نمی توانم تفسیرش بکنم و هنوز هم گریبانگیرش هستیم وجوسازیهای که افراد میکنند،

اجرای آنها بتمویق افتاده است. از جمله این جوسازی‌ها برای مثال نقدهایی است که در مجلات و روزنامه‌ها می‌نویسند. به نقد نویسی ایرادی ندارم و اگر انتقادی صادقانه و برای سازندگی گفته شود نهایت نادانی است که از آن برنجیم. گله من از دوستانی است که بدون اطلاع اقدام به نقد نویسی می‌کنند و به فیلم‌هایی که اجازه نمایش داده شده است، ایراد می‌گیرند. بدون اینکه قبلاً یا ما تماس گرفته باشند و اطلاعات خود را کامل کرده باشند مثلاً در مورد فیلم‌هایی که من اجازه نمایش به آنها داده‌ام، بعضی از اینها فیلم‌هایی بوده‌اند که معاونین و مسوولین قبلی در صورتجلساتی که موجود است تعهد دارند و نوشته‌اند که شما با انجام چنین اصلاحاتی اجازه اکران دارید و تهیه کننده هم بر مبنای این نوشته دو میلیون تومان هزینه کرده است. باید با این تهیه کننده چکار کرد. یا فرضاً در فیلمی شخصیت بازیگر مشکوک است، کسی هم که قبلاً مسوول بوده، نوشته بعضی قسمت‌ها اصلاح شود ولی به این مسأله توجه نکرده است. ما در مقابل این نوشته تعهد داریم. اگر بنا باشد که بگوئیم آن مسوول اشتباه کرده است و ما اجازه نمی‌دهیم، دیگر برای تهیه کننده بعدی چه ضمانتی وجود دارد که اقدام به تهیه فیلم کند.

ایراد دیگری که بر منتقدین ما وارد است، اینست که آنها فکر می‌کنند نقدنویسی فیلم یعنی عیب‌ها و بدیهای آن را برشمردن. مثلاً در نقدی که در یکی از روزنامه‌های صبح چاپ شده بود، نوشته بودند که: «در کلوزآپ‌هایی، نوع حرکت دوربین، نوع حرکت فیلم فارسی‌های سابق بود.» نوع حرکت دوربین را بررسی کردن اصلاً مفهوم نبود. یعنی این آقا می‌خواهد اظهار فضل کند و بگوید که من نوع حرکت دوربین را هم تشخیص می‌دهم. اتفاقاً این فیلم از آن نوع که ایشان منتسب کرده بودند، نبود و تکنیک و اصول را بطور منطقی رعایت کرده بود. اینگونه افراد فکر می‌کنند که فقط عیب‌ها را باید بگویند در حالی که یک فیلم حتماً جهات مثبت هم دارد و متأسفانه مطبوعات پاسخ‌هایی

که به اینگونه نقدنویسی‌ها داده می‌شود را چاپ نمی‌کنند و ما در مورد فستیوال فجر با این مشکل مواجه بودیم. مطلبی علیه فستیوال و فیلم‌نامه‌ها مطرح شد که دروغ بود، افترا و تهمت بود، خارج از تقوا بود. مثلاً بودن تماشاچیان مذکر و مؤنث چه ربطی به اصل فیلم دارد و از این قبیل ایرادها. من از نقدنویسان توقع دارم مواردی را که نمی‌دانند از وزارت ارشاد پرسند، موارد مثبت و منفی فیلم را با هم ذکر کنند، راجع به آن چیزی که انتقاد دارند از وزارت ارشاد سؤال کنند شاید با توضیحاتی که می‌شنوند مجاب شوند. مثلاً اخیراً نقدی از فیلمی نوشته شده بود و منتقد ایراد گرفته بود که چطور یک ایل پاسدار در این فیلم نتوانستند یک سرهنگ ساواک را دستگیر کنند. اولاً که یک ایل نبودند و این تعبیر غلطی است و ایشان باید می‌دانستند که معمولاً وقتی پاسداران به اینگونه مأموریت‌ها می‌روند چون نمی‌دانند طرف یک نفر است یا چند نفر چهار یا پنج نفر با هم می‌روند، این چهار-پنج نفر را ایشان ایلی بحساب آورده‌اند و در ثانی اگر آن سرهنگ ساواک آدم مهمی نبود، از پادر آوردنش هم برای ما مهم نبود. او باید آدم ورزیده و مهمی باشد که وقتی او را از پا در آوردیم، کار مهمی کرده باشیم. حساب کنید اگر ما فیلمی بسازیم و در آن شاه را آدم بی‌شعور و احمقی نشان بدهیم، سرنگونی او هم مهم نخواهد بود.

اتفاقاً یکی از مواردی که باعث شد بعضی از فیلم‌ها پروانه نمایش نگیرند همین بود. ساواکی را مطرح می‌کردند اما مبتذل، خوب اگر ساواک اینست که شما مطرح کردید، پس چطور در مبارزه با آن پیروز نمی‌شدیم. حال اگر آن منتقد این موضوع را با ما در میان می‌گذاشت متوجه می‌شد که این از نقاط قوت فیلم بوده است.

در این رابطه هم تصمیماتی داریم که از طریق همین مصاحبه‌ها بیان خواهیم کرد فقط باید از نظر اجرا پشتوانه محکمی داشته باشیم.

والسلام